

مهاجرت در کشورهای جهان سوم

نظریات، تحقیقات و ارائه چارچوب نظری

محمد تقی ایمان

چکیده

در این نوشتار با توسل به مشاهده اسنادی سعی گردیده تا ضمن بیان نظرگاه تئوریهای کلان در قالب تئوری کارکردگرائی* و اقتصاد سیاسی پیرامون مهاجرت به بیان مطالعات موردی که عمدتاً در رابطه با مهاجرت روستا به شهر در کشورهای جهان سوم انجام گرفته، پرداخته شود. این مقاله ضمن ارزیابی این تئوریها و بیان محدودیتهای موجود در آنها، به دنبال، اصلاحیه کلی براین دیدگاهها در قالب ارائه یک چارچوب نظری می باشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مقدمه

پدیده مهاجرت‌های داخلی (روستا به شهر) در کشورهای جهان سوم برخلاف نظریات کارکردگرائی بعنوان یکی از مشکلات اجتماعی است، که عمدتاً به علت اشکال در الگوی توسعه این کشورها، در جریان می باشد. آثار سوء این پدیده بوضوح در مشکلاتی از قبیل: بیکاری پنهان، حاشیه نشینی، بزهکاریهای اجتماعی و وابستگی این کشورها در تولیدات اساسی به کشورهای توسعه یافته

* Functionalism

مشاهده می‌گردد. این کشورها سعی نموده‌اند که به نوعی این پدیده اجتماعی را کنترل نمایند؛ ولی چون برخوردها عمدتاً در قالب یک استراتژی روشن جهت استقرار الگوی توسعه مناسب براساس ویژگیهای اجتماعی - اقتصادی موجود کشور نبوده، اگر چه در کوتاه مدت در کنترل و یا کند نمودن حرکات مهاجرتی اثراتی داشته، ولی مجدداً روند سابق ادامه یافته و یا پیش‌بینی می‌رود، ادامه یابد. به طور مثال در هندوستان تصمیم گرفته شد برای کنترل و جلوگیری از هجوم مهاجرت روستائیان به شهرهای بزرگ اقدام به احداث شهرکهای اقماری نزدیک به شهر حیدرآباد نمایند. پس از مدتی این شهرکها به سمت شهرهای بزرگ رشد نمود و به شهرهای بزرگ متصل گردید، و مشکلات همان شهرها را بیار آورد.

در اندونزی تصمیم گرفته شد که در بین سالهای ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۴ طرح کنترل ورود و خروج افراد به شهرها پیاده گردد، تا افراد بصورت دائم در شهرها سکونت نیابند این طرح نیز عملاً با شکست روبرو گردید.

در کشورهای هندوستان، بنگلادش، پاکستان، نپال، تایلند و فیلیپین برای حمایت از روستائیان و تشویق آنها به ماندن در روستاها طرح حمایت قانونی از اجاره دادن را در پیش گرفتند، که مطالعات نشان می‌دهند، اجرای این قانون باعث بهبودی وضع کشاورزان نگردیده، و حتی در بعضی موارد موجب ترغیب مهاجرین در انتقال از روستاها به شهرها گردیده است.

آنچه می‌توان از تجربه این کشورها در برخورد با پدیده اجتماعی مهاجرت روستا به شهر نتیجه‌گیری نمود، این است که؛ اولاً با این پدیده اجتماعی نمی‌توان به صورت مجرد و مجزا از سایر پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی برخورد نمود، لذا انتظار می‌رود که کنترل این پدیده در برخورد همه‌جانبه‌نگر امکان‌پذیر باشد. ثانیاً باید به شکل‌گیری و استمرار این پدیده در یک فرآیند زمانی توجه داشت، که این باعث دخالت یافتن زمان در کنترل این پدیده می‌گردد. ثالثاً تا زمانی که یک الگوی توسعه مشخص و متناسب با مقتضیات این کشورها تهیه نگردد، انتظار کنترل این پدیده در نظام اجتماعی نمی‌رود. براساس این موارد در

فرآیند کنترل مهاجرت مسلماً به عواملی که باعث رکود در جوامع روستائی و رونق در جوامع شهری می‌شود و عواملی که باعث عدم توزیع عادلانه امکانات بین شهر و روستا و یا در بین روستائیان می‌گردند، توجه می‌شود.

هدف ما در این نوشتار ارائه دید کلی نسبت به پدیده مهاجرت در نظرگاه اندیشمندان مختلف و آشنائی با طرحهای تحقیقاتی که در این راستا انجام گرفته اند می‌باشد. همچنین در این مقاله به دنبال ایجاد زمینه‌ای جهت دستیابی به یک چارچوب نظری پویا برای تبیین واقع بینانه پدیده‌های اجتماعی از جمله مهاجرت می‌باشیم.

بررسی پدیده مهاجرت روستا به شهر در کشورهای جهان سوم از این لحاظ حائز اهمیت است که: اولاً از یکسو مهاجرت روستائیان به شهرها اقتصاد روستائی را از نیروی انسانی کارآمد برای ادامه فعالیت‌های کشاورزی محروم میکند. ثانیاً خروج قشرهای جوان و فعال از روستاها، ساخت نظام اجتماعی روستاها را با خطر از هم گسیختگی مواجه می‌سازد و ثالثاً باعث عارضه در اقتصاد شهری که آمادگی پذیرش هجوم شتابزده روستائیان را ندارد، می‌گردد. آثار سوء مهاجرت‌های روستا به شهر در کشورهای جهان سوم را می‌توان در بیکاریهای پنهان حاشیه نشینی، فشار بر روی امکانات شهری بخصوص امکانات تولیدی و معضلات اجتماعی - روانی موجود در شهرهای این کشورها مشاهده نمود.

بنابراین کشورهای جهان سوم در جهت کنترل این پدیده اجتماعی باید به تجدید نظری اصولی در استراتژی توسعه خویش پردازند. تدوین استراتژی توسعه در یک نظام اجتماعی براساس شناخت واقع بینانه از گذشته و حال کشورمان هم در قالب یک تئوری پویا که با طبیعت انسان به عنوان عنصر اصلی مهاجرت همخوانی داشته باشد، امکان پذیر است. در این رابطه مراجعه به مطالعات و نظریات ارائه شده می‌تواند تا حدود زیادی راهگشا باشد، که در این مقاله دنبال خواهد شد.

مروری بر نوشتارها و تحقیقات انجام شده

تعریف مهاجرت:

مهاجرت بنا به تعریف، تغییر دائم یا موقت «محل سکونت» است.* حرکت مهاجرتی ساده، شامل یک فرد یا یک گروه «مهاجر» است که یک مکان جغرافیائی «مبدأ» را ترک گفته و به مکان دیگری «مقصد» نقل مکان می کند. این فرآیند یک جریان مهاجرتی ساده را بیان می کند که پنج مفهوم فضائی اساسی: نقاط، مسافت، جمعیت، اتصال و زمان را در بر می گیرد. یک فرد معمولاً هنگامی به عنوان یک مهاجر به شمار می آید، که از یک نقطه به نقطه دیگر که مسافتی آن دو را از هم جدا ساخته است، نقل مکان می کند.*

مهاجرت‌های داخلی یا کوچ مردم در درون یک کشور، مهمترین عامل در تغییرات و جابجائی جمعیت بین مناطق محسوب می گردد. از آنجا که میزان باروری و مرگ و میر به عنوان دو مقوله اصلی حرکت طبیعی جمعیت در بین مناطق یک کشور معمولاً اندک است، تفاوت مشهود در رشد مناطق مختلف یک کشور دلالت بر مهاجرت‌های داخلی یا خارجی دارد.*

مهاجرت در دیدگاه کارکردگرائی:

در دیدگاه کارکردگرائی هرگونه تغییری که در جامعه روی دهد در جهت تعادل و هماهنگی می باشد. مهاجرت نیز در اصل نوعی تغییر در جوامع به شمار می آید، که بالطبع در جهت ایجاد تعادل در سیستم اجتماعی صورت می گیرد. بنابراین در این دیدگاه مهاجرت در پاسخ به یک حالت عدم تعادل در جهت رسیدن

* Kant, 1962:342.

* Hemmasi, 1974:1-3.

** Ibid.

به تعادل در جامعه صورت می‌گیرد.*

پارسونز که یکی از اندیشمندان معتقد به دیدگاه کارکردگرائی است، اظهار می‌دارد: در یک سیستم اجتماعی برطبق اصل عمل و عکس‌العمل، هر تغییری در جامعه با تغییری دیگر که در نیروی محرکه با آن برابر ولی در جهت مخالف است، متعادل می‌گردد.*

البته این اصل مهم از آنجا ناشی می‌شود که بنا به اعتقاد این دیدگاه شرط لازم برای دوام و بقاء نظام اجتماعی وجود یگانگی و تعادل در نظام می‌باشد.* بنابراین به طور غیرمستقیم می‌توان بیان نمود که: مهاجرت‌ها در این دیدگاه تغییری است که در جهت بقاء و تعادل نظام اجتماعی صورت می‌گیرد. نظرگاه این دیدگاه بر این فرض نیز استوار است که تمامی نیازهای اجتماعی کنشگران در نظامهای اجتماعی آموخته می‌شوند. ولی چون نظامهای اجتماعی کنش‌گرا در طول زمان هرگز حالتی ایستا ندارند، لذا ممکن است تحولات لازم برای کاهش ناهماهنگی بین احساس نیاز و امکان تحصیل آن در کنشگریا هر دو اتفاق بیافتد. درک ناهماهنگی بین خصایص فرد و نظام اجتماعی منجر به مهاجرت مشخص جهت کاهش ناهماهنگی ساختی می‌شود.**

بنابراین در دیدگاه کارکردگرائی مهاجرت به عنوان یک مکانیزم برقرار کننده تعادل که دارای عملکرد مثبت در جهت حفظ و بقای نظام اجتماعی می‌باشد، صورت می‌گیرد.

جامعه‌شناسی توسعه که براساس اصول موجود در رویکرد کارکردگرائی به تبیین نظریات خود می‌پردازد، اعتقاد دارد که بعضی از مناطق به لحاظ توسعه از سایر مناطق پیشی گرفته‌اند و فرصتهای مختلفی را برای افراد آن مناطق بوجود آورده‌اند. بر این اساس نیروی انسانی انباشت شده در یک منطقه به مناطقی که

* ایمان، ۱۳۶۷: ۵.

* Lauer, 1978:80.

ادبی و انصاری، ۱۳۵۶: ۷۷.

** Bacon, 1971:133.

فرصتهائی بیش از ظرفیت افرادش دارد، کشیده می‌شود. بنابراین مهاجرت از یک طرف به مکانیزم تطابق شخص با تغییرات انجام شده، بدل می‌گردد، و از طرف دیگر تعادل از دست رفته را به جامعه باز می‌گرداند.*

نظریه پردازان نوسازی که در قالب جامعه‌شناسی توسعه اظهار نظر می‌نمایند، معتقدند که، نفوذ ارزشهای کشورهای توسعه یافته در کشورهای در حال توسعه باعث آرزوهای جدید در بین مردم این کشورها می‌گردد. در جهت نیل به این آرزوهاست که جابجائیهای جمعیتی به شهرهای بزرگ یا کشورهای دیگر صورت می‌گیرد. این اندیشمندان معتقدند که تحرکات جغرافیائی جمعیت در قالب مهاجرت دارای کارکرد مثبت و در جهت توسعه اقتصادی کشورها می‌باشد. چون تحول اجتماعی، تحرک مکانی بوجود می‌آورد، که این امر به نوبه خود رشد اقتصادی را باعث می‌گردد**

اسملسر** که جنبه‌هایی از بحث نظری نوسازی را مطرح می‌کند، بر این اعتقاد است که، حل مشکلات درونی کشورهای جهان سوم فقط از طریق صنعتی شدن امکان پذیر است. در پروسه صنعتی شدن انتقال نیروی انسانی و حیوانی به نیروی ماشین شروع می‌شود و سپس شهری شدن و تغییرات اکولوژیکی از مراکز کشاورزی و روستائی به مراکز بزرگ شهری نیز صورت می‌گیرد. از نظر او افزایش شهرنشینی و مهاجرت روستائیان به شهرها باعث شکستن الگوی زندگی سنتی شده و توسعه صنعتی را سرعت می‌بخشد.

بر اساس بحثهای نظری فوق به صورت خلاصه می‌توان بیان کرد که: مهاجرت تغییری است که بعزت عدم تعادلات اجتماعی - اقتصادی موجود در مناطق مختلف صورت می‌گیرد.** البته این تغییر در جهت ایجاد تعادلی جدید و آن هم در سطحی

* لهستانی زاده، بی تا.

* Coldsheider, 1971:73.

** Smelser, 1973.

بالا تر که کار کرد مثبت دارد، حادث می شود.*

اکنون که با بحث نظری دیدگاه کار کرد گرائی پیرامون مهاجرت آشنا شدیم، لازم است که چگونگی مکانیزم این حرکت جمعیتی که بین دو نقطه «مبدأ» و «مقصد» صورت می گیرد، مطرح نمایم.

اولین کسی که سعی نمود تا مکانیزم مهاجرت را براساس اصول کلی موجود در رویکرد کار کرد گرائی بیان نماید، راونشتاین می باشد.* او در طی بررسیهای مختلف پیرامون جریانات مهاجرتی انگلستان که براساس سرشماریهای ۱۸۷۱ و ۱۸۸۱ انجام داد، قوانین «جذب» و «دفع»** را مطرح نمود. منظور او از بیان این قوانین این است که، عوامل نامساعد اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی مردم را از محل اقامت خویش «می راند» در حالی که شرایط مساعد آن را به نقطه جغرافیائی دیگری می کشاند. راونشتاین مهاجرت را یک رفتار عقلانی می داند که بین مبدأ و مقصد صورت می گیرد.

ردفورده چهار سال بعد یافته های راونشتاین را بار دیگر از طریق بررسی مهاجرت های نیروی کار در انگلستان در خلال سالهای ۱۸۵۰ - ۱۸۰۰ با دلائل منطقی اثبات نمود.**

لی براساس فرضیه «جذب» و «دفع» و با تأکید بر «موانع دخالت کننده» به تحلیل پدیده مهاجرت می پردازد.**

زیلف که پدیده مهاجرت را مورد مطالعه قرار داده است، با قبول نظریه «جذب» و «دفع» به عامل فاصله (مسافت) بین مبدأ و مقصد اهمیت زیادی داده و سعی نموده است که در همین رابطه فرمولی را برای جذب بیان نماید

$$\text{جذب} = \frac{P \cdot Pd}{D} \quad \text{در این فرمول، } P = \text{جمعیت مبدأ و}$$

* Tylor, 1979:27

** Ravenstein, 1885:167-235.

** Pull and Push

** Redford, 1926.

** Lee, 1966:47.

Pd = جمعیت مقصد و D = فاصله بین مبدأ و مقصد می باشد.)*

حمصی نظریاتی که در رابطه با مکانیزم مهاجرت در دیدگاه کارکردگرائی مطرح گردیده رادرسه دسته بندی ذیل قابل تقسیم بندی می داند.*
۱ - نظریه جذب و دفع که توسط راونشتاین آغاز و با نظریه ردفیلد کاملتر گردید.

۲ - نظریه ای که به سرمایه گذاری مهاجر توجه دارد، توسط شولتز** بیان گردیده است. از نظر شولتز تغییر مکان مستلزم هزینه های پولی، (مالی) و روانی (عاطفی) است. مهاجرزمانی که آهنگ کوچیدن دارد، بر این باور است که این هزینه ها با منافع اضافی که در محل اقامت جدید به دست می آورد، جبران می گردد. اگر منافع موردانتظار در مقصد کمتر و یا حتی برابر با این هزینه ها باشد، موجبی برای مهاجرت یافت نخواهد شد.

۳ - نظریه ای که به اختلافات مهاجرتی و مدل های احتمالاتی مهاجرت توجه نموده، توسط بشرز** مطرح گردیده است. او معتقد است که: مهاجرت های داخلی برگزینش گروه های معین (سنی، جنسی، شغلی و غیره) که بیش از دیگران آمادگی یا خصلت مهاجرت دارند، متمایل است.

شؤبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مهاجرت در دیدگاه اقتصاد سیاسی**

براساس محدودیتهای موجود در دیدگاه کارکردگرائی رویکرد مهم دیگری در جامعه شناسی تحت عنوان دیدگاه اقتصاد سیاسی مطرح گردیده است. نظریه پردازان معتقد به رویکرد اقتصاد سیاسی بیان می دارند که، علت های مهاجرت را نمی توان از اثرات آن جدا نمود، چون از یک طرف مهاجرت معلول

* Zipf, 1946:677-686.

* Hemmasi, 1974:7.

** Schultz

** Beshers.

** Political Economy

توسعه نابرابر و از طرف دیگر خود عامل گسترش توسعه نابرابر است. لذا در تبیین فرآیند مهاجرت لازم است ابتدا به مسأله عدم توسعه توجه نمود، چون در این راستاست که روابط نابرابر ساختی و مکانی بین بخشهای مختلف جامعه مدنظر قرار می‌گیرد.*

دیدگاه اقتصاد سیاسی درباره شکل‌گیری مهاجرت اعتقاد دارد که، ترک آب و خاک و یابه عبارتی مهاجرت مردم تحت دو دسته عوامل ذیل صورت می‌گیرد.*

۱ - عوامل تغییر دهنده

۲ - عوامل رکودی

عوامل اول با نفوذ روشهای تولید سرمایه‌داری در مناطق سنتی همچون تغییر روش تولید، اخراج غیرمالکین یا استفاده از روشهایی که هدفش بازده کاری بالا بوده، که طبیعتاً سطح اشتغال را پائین می‌آورد، ارتباط دارد به طور کلی این عوامل با تغییر در تکنیکهای تولیدی ارتباط دارد، یعنی تکنیکهای جدید کارگر اضافی ایجاد کرده و آنها را مجبور به مهاجرت می‌نماید.

عوامل دوم زمانی عمل می‌کنند که رشد جمعیت از تولیدات کشاورزی سبقت گرفته و نیروی کار اضافی مجبور به مهاجرت می‌شود. یا به عبارتی این عوامل به صورت افزایش جمعیت روستا در مقابل محدود ماندن کشت یا حجم تولید، یا وجود مالکین فنودال و انحصارطلب و دیگر عوامل نظیر آنها می‌باشد.

جامعه‌شناسی توسعه نیافتگی که متأثر از همین دیدگاه می‌باشد، اعتقاد دارد که با ورود سرمایه‌داری وابسته در کشورهای جهان سوم و تثبیت آن در این کشورها، مهاجرت شکل خاصی به خود می‌گیرد تا آنجا که، اولاً مهاجرت همه افراد را در برنمی‌گیرد، بلکه بخشی از افراد جامعه را وادار به حرکت از مکان خود می‌نماید؛ ثانیاً تصمیم به مهاجرت دواطلبانه نیست، بلکه برای آنان که مهاجرت می‌نمایند، شق دیگری برای زندگی کردن وجود ندارد؛ ثالثاً مهاجرت به

* Amin, 1974.

مناطق نامشخص و نامعین صورت نمی گیرد؛ بلکه از روی الگوی خاصی به مکانها و بخشهایی خاص از جامعه صورت می گیرد؛ رابعاً نیروی اجبار و تحریک کننده مهاجر صرفاً عامل اقتصادی می باشد. و بالاخره مهاجرت در این کشورها، مهاجرت نیروی کار و کارگر می باشد.*

دیدگاه اقتصاد سیاسی در تبیین ورود سرمایه داری وابسته و شکل گیری مهاجرت در داخل و یا بین کشورهای جهان سوم چنین بیان می دارد که: صنعتی نمودن کشورهای جهان سوم و مسلح نمودن آنها به سلاح مکانیزاسیون و انباشت سرمایه در شهرهای این کشورها توسط کشورهای سرمایه داری باعث شده است که: اولاً شهرهای این کشورها از جذابیت، امکانات و به طور کلی توسعه زیادتری نسبت به روستاها برخوردار گردند، ثانیاً در روستاها نیز به علت ورود ابزار مکانیزه نیروی کار اضافی ایجاد گردد. بنابراین انباشت سرمایه، امکانات و نهایتاً جذابیت شهرها از یکطرف و نیروی کار آزاد شده در روستاها از طرف دیگر نتیجه ای جز مهاجرت نیروی کار روستائیان به شهرها در پی نخواهد داشت. در سطح بین المللی نیز اعمال همین سیاست باعث شده که نیروی کار از کشوری به کشور دیگر مهاجرت نماید. پس تبیین مهاجرت در این دیدگاه در ارتباط با گسترش سرمایه داری وابسته در کشورهای جهان سوم تحلیل گردیده، و علت مهاجرت نیز در همین راستا در توسعه نابرابر شهر و روستا یا بین کشورهای مختلف مدنظر قرار می گیرد. چنانچه پرتس معتقد است که مهاجرت های داخلی و بین المللی محصول توسعه ناموزون در داخل و بین کشورهای مختلف می باشد.*

امین معتقد است که، مهاجرت از یکطرف باعث تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجر فرست و از طرف دیگر عامل ایجاد تشدید نارسا ئیهای در منطقه مهاجر پذیر می گردد، چون از یکطرف مهاجرت باعث تخلیه نیروی انسانی فعال از مبدأ گردیده و توسعه نیافتگی آن را شدت می بخشد، و از طرف دیگر مهاجر به علت نداشتن مهارت های لازم و مورد نیاز مقصد در کارهای دون پایه جذب گردیده،

* لهسانی زاده، بی تا.

و وارد فقری جدید می‌شود، که این باعث انحرافات برای او و مشکلاتی برای مقصد می‌گردد.*

اکنون که با تئوریهای کلی پیرامون پدیده مهاجرت آشنا شدیم، لازم است به مطالعات و تحقیقات موردی که در کشورهای جهان سوم در این رابطه صورت گرفته نیز بپردازیم. این تحقیقات می‌توانند، اولاً در آزمون روائی و اعتبار این تئورها ما را یاری نمایند، ثانیاً در شناخت عوامل تعیین کننده مهاجرت‌های نیروی انسانی و بالطبع در تدوین استراتژی توسعه و یا ارائه چارچوب نظری مؤثر واقع گردند.

حمصی پس از بحث پیرامون مهاجرت در کشورهای در حال توسعه، عوامل ذیل به عنوان، علل مهاجرت روستا به شهر بیان می‌دارد*:

۱ - میزان موالید بالا و مرگ و میر پائین سبب افزایش جمعیت در روستاها می‌شود. اگر مقدار زمین قابل کشت و یا سطح بهره‌وری ثابت بماند، فشار جمعیت منجر به برون کوچی می‌گردد.

۲ - دگرگونیهای تکنولوژیک و مکانیزاسیون کشاورزی ممکن است، سبب بیکاری و یا کم کاری در میان کشاورزی گردد.

۳ - کاهش حاصلخیزی زمینهای قابل کشت که در نتیجه فرسایش خاک، خشکسالی و نظام مالکیتی حادث می‌شود، ممکن است باعث افزایش فقر در نواحی روستائی گردیده و مهاجرت از نواحی روستائی را باعث شود.

۴ - توسعه تسهیلات حمل و نقل و گسترش رسانه‌های گروهی و هر گونه افزایش در سطح آگاهی و سواد روستائیان، به طوری که بتواند آگاهی آنها را در باره نحوه‌های گوناگون معیشتی که در مقایسه با زندگی روستائی وجود دارد، بالا ببرد، ممکن است نارضایتی آنان را نسبت به زندگی روستائی افزایش دهد و باعث مهاجرت از روستا گردد.

۵ - درک موقعیتها و تسهیلات در شهرها می‌تواند، جاذبه‌ای برای جمعیت

* Amin, 1974:104

‡ Hemmasi, 1974:14

روستائی باشد.

۶ - تمرکز فرصتهای اشتغال در صنایع، خدمات و مؤسسات شهری، فاصله اقتصادی بین شهر و روستا را وسیع ترمی سازد. بنابراین میتوان مهاجرت روستا به شهر را بعنوان تحرکی دوبعدی با حرکات فضائی (افقی) و حرکات اجتماعی - اقتصادی (عمودی) که متضمن دگرگونی همیشگی مهاجرتها، گرایشها، انگیزشها و الگوهای رفتاری است، در نظر گرفت.

رانی و مورتی در سال ۱۹۷۳ تحقیقاتی در ۸۰ روستای مهاجر فرست کشور هند نموده اند، تا فرآیند مهاجرت از روستا به شهر را بررسی نمایند. پس از جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل لازم، به این نتیجه رسیده اند که: اکثر مهاجرین برای بهبود وضع زندگی خود، اقدام به مهاجرت نموده اند.*

استوکل با انتخاب ۱۱۱ روستا در بنگلادش به مطالعه و تحقیق پیرامون مشخصات مهاجرین و علل مهاجرت آنها پرداخته اند. یافته های تحقیق نمایشگر این است که: مهاجرین عمدتاً به علت کمبود شغل و کار در مبدأ اقدام به مهاجرت نموده اند.*

رابینسون در بین سالهای ۱۹۵۷ - ۱۹۴۸ تحقیقاتی در مورد عملکرد مکانیزاسیون کشاورزی را در ترکیه دنبال نمود. پس از بررسیهای لازم در مورد تکنولوژیهای وارده به روستاها و شاغلین به امر کشاورزی در قبل و بعد از ورود تکنولوژی به این نتیجه رسید که اجرای مکانیزاسیون در مزارع باعث گردید که، از حدود ۲۰۰۰۰۰ خانوار کشاورز حدود ۱۶۰۰۰۰ خانوار به شهرها مهاجرت نمایند.*

ادیبی پس از بررسی و تحقیقات لازم در مورد مهاجرت در ایران بیان می دارد که: تأثیر مستقیم غرب در ایران، اجرای اصلاحات ارضی، مکانیزاسیون کشاورزی و بالا رفتن درآمدها در ایران باعث گسترش شهرها و شهرنشینی شد و

* Rani and Murty, 1977:1 - 7.

* Stoechol, 1972:236-245

* Robinson, 1958: 1.

نهایتاً امکانات و خدمات در شهرها مستقر گردید و این علتی شد تا روستائیان تحت عوامل کشش شهرها و رانش روستاها به شهرها مهاجرت نمایند.*

وست با یک نمونه گیری ۷۰ خانواری از مهاجرینی مکزیکی تحقیقی پیرامون علل مهاجرت آنها انجام داد. پس از جمع آوری اطلاعات و استفاده از تکنیک آماری^۲ x ، یافته‌های تحقیق بیان داشته‌اند که، خانوارهای مهاجر عملاً به سوی مکانهایی حرکت نموده‌اند که در آنها شغل مناسب‌تری یافت می‌شود. به عبارت دیگر جمعیت مهاجر از مکانهایی که دارای موقعیت شغلی کمتری برخوردار بوده‌اند به مکانهایی که موقعیت شغلی زیادتری داشته‌اند مهاجرت نموده‌اند.*

سیمو تحقیقی در رابطه با علل مهاجرت روستا به شهر در بلغارستان انجام داده است. مطالعه او بر روی مهاجرین جوان روستائی متمرکز گردیده است. در این تحقیق ۱۰۰۰ مرد جوان مهاجر از ۲۱۵ روستای بلغارستان انتخاب گردیده است. پس از جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها، یافته‌ها نمایشگر این امر میباشد که، اکثر مهاجرین بععلل: کسب موقعیت شغلی بهتر، به دست آوردن درآمد کافی و استفاده از تسهیلات فرهنگی در شهرها اقدام به مهاجرت نموده‌اند.*

آقاجانیان و پایدار براساس تحقیقی پیرامون حاشیه‌نشینی فرضیات ذیل در رابطه با علل مهاجرت روستائیان به شهرها ارائه نموده‌اند.**

۱ - مهاجرت به علت محدودیت منابع و رشد سریع جمعیت در روستا انجام می‌گیرد،

۲ - فقر در جوامع روستائی که نهایتاً باعث مهاجرت روستا به شهر می‌گردد به علل: عدم توزیع عادلانه منابع (زمین) در روستا از یک طرف و نابرابری شهر و روستا از طرف دیگر می‌باشد.

* Adibi, 1977: 175 - 178.

* West, 1973:180 - 209.

** Semove, 1971: 49 - 63.

زاهد با استفاده از آمارهای موجود در ایران سعی در تست این فرضیه دارد که کمیت و کیفیت مهاجرت تابعی است از سیستم توزیع امکانات. این تحقیق به این نتیجه می‌رسد که: چون توزیع امکانات به صورت قطبی در جهت رشد شهرها صورت گرفته است، افزایش جمعیت شهرها و مهاجرت از روستا به شهر امری عادی و مسلم به نظر می‌رسد*

سازمان برنامه و بودجه طی بررسی و مطالعه پیرامون مهاجرت و شهرنشینی در ایران به این نتیجه رسیده است که، هرگاه میان بازده نهائی کار در دو نقطه جغرافیائی یا در دو بخش اقتصادی تفاوت زیادی وجود داشته باشد، انگیزه‌ای می‌شود که افراد از منطقه یا بخشی که در آن ارزش کار پائین تر است به منطقه یا بخش دیگری که ارزش کار بالاتر است مهاجرت نمایند. این تفاوت هرچه بیشتر باشد، مهاجرت ابعاد گسترده تری به خود می‌گیرد. این امر ممکن است تا آن حد پیش رود که از حد و مرز تعادل گذشته و شیرازه دو منطقه مهاجرفرست و مهاجرپذیر را از هم بگسلد.*

بهشتی در تحقیقی که پیرامون حاشیه نشینان شیراز انجام داده است، نتیجه گیری می‌نماید که، ۸۰ درصد مهاجرین به خاطر خشکسالی و یافتن کار به شیراز آمده‌اند.*

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

چارچوب نظری

در نظریات و اکثر مطالعات که بیان گردید، آنچه مشهود است روح جزئی‌نگری یا بسیار کلی‌نگری می‌باشد. این محدودیتها باعث گردیده‌اند که، از یک طرف نتوانیم شناخت کاملی از پدیده اجتماعی مهاجرت روستا به شهر به دست آوریم، و از طرف دیگر به این نتیجه برسیم که، کلی‌نگری جز ایجاد ابهام و عدم ارائه راه حل عملی جهت برخورد با این پدیده مشکلی را حل نخواهد کرد.

* زاهد، ۱۳۶۵: ۱۸-۱

‡ سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۴: ۱۷.

‡‡ بهشتی، ۱۳۵۰: ۴۷.

جهت روشن نمودن محدودیتهای فوق قابل ذکر است که: دیدگاه کارکردگرایی در تبیین مهاجرت به علت یا علل امر نپرداخته و فقط به بیان بروز عدم تعادل و دستیابی به تعادل در سیستم اجتماعی که معلول علت یا علل خاصی می باشد، اکتفا می نماید. وجود این محدودیت باعث گردیده، تا جواب به این سؤال که چرا در حالت عدم تعادل و رسیدن به تعادل فقط عده ای و آن هم افرادی خاص در یک نظام اجتماعی و یا در بین نظامهای اجتماعی اقدام به مهاجرت می نمایند، و بقیه در مبدأ می مانند؟ بدون جواب بماند. به طور کلی می توان ادعا نمود که ما در بحث نظری این دیدگاه به علت یا علل تغییرات برخورد نمی کنیم؛ چون بیشتر به تأثیرات تغییرات پرداخته می شود تا علت تغییرات.*

دیدگاه اقتصاد سیاسی نیز به تبیین پدیده ها در سطح کلان می پردازد؛ لذا نظریات ارائه شده از حد کلی تجاوز نمی نمایند. این نوع نگرش در مسائل اجتماعی علاوه بر اینکه اشکالاتی از قبیل: عدم امکان برنامه ریزیهای محلی و منطقه ای جهت ملحوظ نمودن شرایطی خاص در برنامه ریزیها دارد، عدم شناخت دقیق از مسائل مختلفی که در شرایط متفاوت تاریخی، اجتماعی و اقتصادی جوامع مختلف نیز روی می دهند، دربردارد، و سؤالات زیادی را بدون جواب خواهد گذاشت. مثلاً، سؤالاتی از این قبیل که، چرا نظام تحت سلطه پس از مدتی، کاملاً خالی از نیروی انسانی نمی شود؟ و یا چرا واقعیات و تحقیقات گویای این موضوع می باشند که، مهاجرت همیشه گریبانگیر بخشی از نیروی انسانی و آن هم با داشتن ویژگیهای خاصی می شود، بدون جواب می ماند.*

در دیدگاه اقتصاد سیاسی چون توجه بیشتر به مقصد مهاجرت وجود دارد، لذا در تبیین مهاجرت و پیامدهای آن ساخت مبداء و تحولات درونی آن به فراموشی سپرده می شود. این امر باعث گردیده که، مهاجرت در یک فرآیند پویا بین مبداء و مقصد بخوبی تحلیل نگردد.*

آنچه که در اصلاح این دیدگاهها در سطح کلی باید مدنظر قرار گیرد،

* Tylor, 1979: 39.

بازسازی نگرش تئوریه‌ها به طبیعت انسان و چگونگی رابطه بین فرد با جامعه می‌باشد. چون تصور این موضوع که، انسان کاملاً بمثابة کاغذ سفید می‌ماند، و هر چه به او داده شود دقیقاً کپی می‌نماید، و اینکه انسان به اضطرار در جامعه مستحیل می‌شود و نمی‌تواند و یا نباید در حاشیه یا مقابل جامعه قرار گیرد، قابل تردید بوده و نمی‌تواند مبنای مناسبی برای شکل‌گیری تئوریه‌ها باشد.

انسان در فرآیند شدن* خود سعی دارد در کنش متقابل با محیط موارد مختلف را بلحاظ کمی و کیفی سود و زیان*# نموده و سپس تصمیم‌گیری نماید. چون انسان سعی دارد برای استمرار حیات و رشد خویش از امکانات محیط استفاده کند، در فرآیند شدن انسان دو عامل اساسی که همانا امکانات محیط و شناخت یا آگاهی انسان می‌باشند نقش دارند. پدیده مهاجرت که در قالب همین فرآیند تحلیل می‌گردد، به چگونگی توزیع امکانات و شناخت انسان از آن برمی‌گردد. بنابراین در حرکت مکانی جمعیت توزیع امکانات به عنوان عامل محیطی که فرد با آنها در رابطه است و آگاهی انسانها پیرامون چگونگی توزیع امکانات محوریت دارند.

از طرفی آنچه در مهاجرت‌های نیروی انسانی در یک نظام اجتماعی باید مدنظر قرار گیرد، کنترل آن است نه کاهش یا افزایش آن؛ چون هر گونه تغییری در مهاجرت نیروی انسانی بستگی به مقتضیات نظام اجتماعی دارد. مهاجرت زمانی که در جهت هماهنگی و تعادلی پویا در یک نظام اجتماعی صورت گیرد، مسلماً حرکتی کنترل شده، طبیعی و در جهت رشد و توسعه آن نظام اجتماعی خواهد بود. اگر تحلیل و ارزیابی مهاجرت در ارتباط متقابل بین انسان و محیط اجتماعی صورت پذیرد، امکان جهت‌گیری حرکات جمعیتی بسوی تعادلی پویا در نظام اجتماعی مقدور خواهد بود. در تئوریه‌ها و نظریاتی که بحث آنها به عمل آمد چون به محیط اجتماعی اصالت محض داده می‌شود و جایگاه مشخص برای ایفای نقش انسان بر اساس اختیار او قائل نیستند، لذا از تبیین کلیه حرکات مکانی جمعیت

* Becoming

Cost - Benefit.

عاجز می باشند. یا به عبارتی این دیدگاهها چون به صورت روشن ارتباط متقابل انسان و محیط را که منجر به تصمیم گیری انسان میشود، تحلیل نمی نمایند، لذا بخوبی نمی توانند حرکات متفاوت مهاجرتی را تبیین نمایند.

بر اساس مباحث فوق می توان بیان نمود که، حرکات جمعیتی که در کنش متقابل بین انسان و محیط صورت می گیرد تابعی است از توزیع امکانات و شناخت یا آگاهی انسان از آن. در رابطه با توزیع امکانات منظور این است که، باید در نظام اجتماعی طوری برنامه ریزی نمود تا امکان اختیار از انسان سلب نگردد، یا به عبارتی امکان استفاده انسانها از امکانات در جهت رشد (شدن) آنها که در حقیقت رفع نیازمندیهای آنان را تداعی می نماید، مقدور باشد. اگر الگوی حرکتی انسانها بر این اساس تنظیم گردد، مسلماً کنترل حرکات جمعیتی در نظام اجتماعی امکان پذیر خواهد بود.

آنچه در شناخت و یا آگاهی انسانها به صورت مشخص مدنظر می باشد، انتظارات اجتماعی* آنهاست. انتظارات اجتماعی که در حقیقت همان چشم داشتهای اجتماعی می باشند، در ایفای نقش و شکل گیری شخصیت افراد جایگاهی اساسی را به خود اختصاص می دهند. مبنای انتظارات اجتماعی را باید در هنجارها و ارزشهای اجتماعی جستجو نمود که، انسانها در پرتوی آنها در قالب نهادهای اجتماعی فرآیند جامعه پذیری* خود طی می نمایند. در این فرآیند است که، انتظارات اجتماعی انسانها نیز شکل می گیرد و افراد بر این اساس به ایفای نقش می پردازند. مهاجرین با انتقال مکانی در واقع به نوعی ایفای نقش پرداخته اند. به عبارت دیگر انتقال مکانی نوعی ایفای نقش به شمار می آید.

بنابراین در نظام اجتماعی زمانی انسانها اقدام به مهاجرت می نمایند که، انتظارات آنها از توزیع امکانات موجود مطلوب نبوده و توقع دارند، با مهاجرت به محیط یا منطقه دیگری انتظاراتشان مرتفع گردد. بر این اساس زمانی حرکات جمعیتی در نظام اجتماعی طبیعی خواهد بود که، آن نظام بتواند در یک فرآیند

* Social Expections.

* Socialization.

زمانی تعادلی بین توزیع امکانات و انتظارات اجتماعی انسانها ایجاد نماید. براساس مباحث فوق اگر کشورهای جهان سوم در پی تغییر در جهت گیریهای موجود انتقالات مکانی جمعیت می‌باشند، لازم است تغییراتی در قانونمندیهای اجتماعی و بالطبع نهادهای اجتماعی که به صورت روشن تغییرات ساختاری می‌باشند، دنبال نمایند.

خلاصه و نتیجه گیری

این مقاله سعی در ابراز این مطلب داشته که، به علت تفاوت‌های مشهود در نظامهای اجتماعی امروز، بخصوص نظامهای اجتماعی کشورهای جهان سوم و توسعه یافته و ضرورت بکارگیری مقتضیات هر نظام اجتماعی در برنامه‌ریزیهای آن و اینکه ارائه الگوی استاندارد شده براساس تئوریهای موجود و خط‌مشی کشورهای توسعه یافته جهت حل معضلات کشورهای جهان سوم، کارائی لازم نداشته‌اند، لازم است ضمن شناخت دقیق کشورهای جهان سوم و تئوریهای کلان موجود، در جهت دستیابی به استراتژی مناسبی در این کشورها حرکت نمود.

براساس مطالعات و تحقیقات انجام شده در کشورهای جهان سوم یکی از مشکلات اجتماعی که امروزه گریبانگیر این کشورها می‌باشد، پدیده اجتماعی مهاجرت روستا به شهر است. این پدیده که نظامهای اجتماعی این کشورها را در ابعاد متفاوتی تحت تأثیر قرار داده، باعث ایجاد معضلاتی در مسیر رشد و توسعه آنها گردیده است.

در نظرگاه این مقاله آنچه که ضرورت دارد تدوین یک چارچوب نظری روشن مبتنی بر مقتضیات اجتماعی و اقتصادی این کشورها می‌باشد. این چارچوب نظری میتواند با اصلاحیه‌هایی بردیدگاههای کلان موجود شروع گردد. دیدگاههای کارکردگرایی و اقتصاد سیاسی که به نوعی حرکات مهاجرتی را در نظام اجتماعی تحلیل می‌نمایند، چون به صورت روشن و مشخص به چگونگی تصمیم‌گیری انسانها به حرکت و یا مهاجرت که در فرآیند کنش متقابل انسان با محیط رخ می‌دهد، نمی‌پردازند، لذا در تبیین کلیه حرکات جمعیتی موفق نمی‌باشند.

بنابراین در اصلاحیه‌های پیشنهادی باید به صورت مشخص کنش متقابل بین انسان و محیط مورد بررسی قرار گیرد. چون انسانها براساس انتظارات اجتماعی جهت استفاده از امکانات بالفصل یا بالقوه محیط، با یکدیگر و با محیط وارد کنش متقابل می‌شوند. مهاجرت که نوعی ایفای نقش یا کنش انسانی می‌باشد، اگر حالتی طبیعی داشته باشد مسلماً در جهت رشد انسان و جامعه قرار می‌گیرد.

زمانی مهاجرت به عنوان حرکت مکانی جمعیت طبیعی خواهد بود که؛ نظام اجتماعی بتواند در یک فرآیند زمانی بین انتظارات اجتماعی و توزیع امکانات تعادلی پویا ایجاد نماید. لذا کشورهای جهان سوم نیز برای حل این معضل اجتماعی باید در جهت ایجاد این تعادل کوشش نمایند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کتابنامه فارسی

آقاجانیان، اکبر و مجید پایدار

۱۳۶۳ پژوهشی در مشکل اجتماعی حاشیه نشینی، شیراز: بخش جامعه شناسی دانشگاه شیراز.

ادیبی، حسین و عبدالعمودانصاری

۱۳۵۸ نظریه‌های جامعه شناسی، تهران: انتشارات جامعه.

ایمان، محمد تقی

۱۳۶۷ «بررسی فرآیند سازگاری مهاجرین بین‌المللی»، پایان نامه فوق لیسانس، شیراز: بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز.

بهشتی، حوری

۱۳۵۰ حاشیه نشینی در شهر شیراز، شیراز: بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

زاهد زاهدانی، سید سعید

۱۳۶۵ «نظریه‌ای در مورد مهاجرت با توجه به نمونه ایران»، شیراز: مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز. دوره دوم، شماره اول.

سازمان برنامه و بودجه

۱۳۶۴ مهاجرت و شهرنشینی در ایران، تهران: دفتر جمعیت و نیروی انسانی.

سینجر، پل

اقتصاد سیاسی شهرنشینی، ترجمه، مهدی کاظمیان بیدهندی و
فرح حسامیان، تهران: انتشارات نشر نو.

۱۳۵۸

لهسایی زاده، عبدالعلی

دیدگاههای جامعه‌شناختی مهاجرت از روستا به شهر. شیراز:
مرکز جمعیت‌شناسی دانشگاه شیراز، زیر چاپ.

بی تا

وحیدی، پریدخت

مهاجرت بین‌المللی و پیامدهای آن، ترجمه و اقتباس، پریدخت
وحیدی، تهران: مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات
سازمان برنامه و بودجه.

۱۳۶۴

REFERENCES

Amin Samir

1974 "Modern migrations in Western Africa", in Samir Amin(ed) ,
Modern migration in Western Africa , Oxford: Oxford
University Press.

Adibi , Hossein

1977 "Rural - Urban Migration in Iran" , The Australian and Newzealand
journal of Sociology No.1; 13 , No. 2.

Bacon , Ilyod

1971 " Poverty among inter - regional rural - to - urban Migrant"
 , Rural Sociology , vol, 36.

Goldsheider, C.

1971 Population, Modernization and Social Structures New York:

Little and Brawn.

Hemmasi , Mohammad

1974 Migration in Iran , Shiraz University Publications.

Kant Edgar

1962 "Classification and Problems of Migrants" , Cultural Geography. The University of Chicago Press.

Lauer, R. H.

1978 Perspective of Social Change, 2 nd edition, Allyn and Bacon Inc.

Portes, A.

1978 "Migration and under development" Politics and Society.

Rani , K. S. and Murty, K. R.

1977 "Migration experience of Urban Slum - dwellers." The Indian Journal of Social Work.

Ravenstein, E, G.

1885 "The law of migration," Journal of royal Statistical Society.

Redford. A.

1926 Labor migration in England 1800 - 1850, Manchester University Press.

Robinson , Richard D.

1958 "Turkey's Agrarian revolution and Problem of Urbanization"
"Public Opinion quarterly.

Semove , Mincho.

1971 "Factors that influence the Potential Migration of rural youth
"Sociological Problems.

Smelser, N. J.

1973 "Toward a theory of moderniaztion , " in Amitati Etzioni(ed),
Social Change, New York: Basic Books.

Stoechel, Johan

1972 "Out migration From a rural area of Bang Ladesh" Rural
Sociology.

Tylor, J. G.

1979 From moderniaztion to mode of Production, Published by Mc
Millan Press , L T P.

Wiest , Roymende

1973 " Wage - Labor Migration and the houshold in Midciant
town, " Journal of anthropological research.